عاجز و ضعیف خافوا علیهم بترسید بر ایشان از بینوائی و ضایع شدن یعنی ورثه باید که با ضعفا و اقارب و یتیمان و مسکینان که در مجلس قسمت ترکه حاضر شوند
مراسم شفقت و رحمت رعایت کنند و تصور کنند که اگر ایشان را فرزندان خورد و عاجز باشد و بعد از فوت ایشان بجانب مجلسی آید که رمان ایشان
جاری است با ایشان بعدم جواز آن حکم خواهد نمود پس آنچه بخود روا ندارند به نسبت با دیگران جایز ندارند ع پسند کسی آنچه بخود
نپسندی فلیتقوا الله پس باید که از عذاب خدای تعالی بترسید ولیقولوا قولا سدیدا و بگویید با حاضران مجلس قسمت سخنی راست و درست
یعنی عذری جمیل و وعده نیکو ان الذین یاکلون اموال الیتامی ظلما بدرستی که آنانکه از روی غفلت میخورند و تلف میکنند مالهای یتیمان از روی بیداد
وستم انما یاکلون فی بطونهم نارا جز این نیست که میخورند در شکمها خویش آتشی در انوار از ابو هریره نقل میکند که حضرت رسالت صلعم
فرمود که حق تعالی برانگیزد در روز قیامت قومی را از گورها و بیرون آید آتش از دهنهای ایشان گفتند یا رسول الله کدام طایفه باشند فرمود که نمی
بینند که حق تعالی میفرماید انما یاکلون فی بطونهم نارا در تفسیر کبیر آورده که روز قیامت خورنده مال یتیم بعرصات درآید و آتشی که درون او از آن مملو است
زبانه میزند و دود از دهن و بینی و گوش و چشم او بیرون می آید و باین علامت همه کس او را بشناسند که این خورنده مال یتیم است پس من بعد آن سخنان
حمل اکل بر مجاز آنست وسیصلون سعیرا و زود باشد که درآیند ... خورندگان مال یتیم و بعضی معلوم میخوانند و معنی آیه آنست که زود درآیند در آتشی
افروخته یوصیکم الله فی اولادکم امر میکند خدای تعالی شمارا در کار فرزندان شما و ستاد در میراث ایشان یا وصیت میکرد اند بحکم خویش در باره
فرزندان شما سهام میراث بر نحوی که للذکر مثل حظ الانثیین مر مرد را باشد مانند بهره دو زن فان کن نساء پس اگر باشند اولاد میت
زنان خالص که با ایشان مردی نبود فوق اثنتین بالای دو زن فلهن ثلثا ما ترک پس مر ایشان را باشد دو بخش از سه بخش آنچه متوفی گذاشته
وان کانت واحدة و اگر باشد وارث یکدختر فلها النصف پس او راست نصفی از متروکه متوفی ولابویه لکل واحد منهما السدس و مر پدر و مادر میت
هر یک را از ایشان حصه شش یکی است مما ترک از آنچه گذاشته باشد فرزندان ان کان له ولد اگر باشد مر آن فرزند متوفی را فرزندی
خواه زن و خواه مرد فان لم یکن له ولد اگر نباشد مر آن مرده را فرزندی وورثه ابواه و میراث برند از وی پدر و مادر او فلامه الثلث
پس مادر او راست یک ثلث از آن مال چون حصر وراثت کرد بر ابوین و نصیب ام تعیین فرمود معلوم شد که باقی نصیب ابست فان کان له اخوة
و اگر باشد مر این متوفی را برادران مادری یا پدری یا پدر و مادری فلامه السدس پس مادر میت را باشد شش یکی از متروکه و این نصیبها که بجهت
ورثه مفروض شد بایشان میرسد من بعد وصیة یوصی بها او دین از پس آن وصیتی که وصیت کرده شده است بآن و بعضی معلوم میخوانند و بعد از آنکه گواهی
میت است یا بعد از ادای دینی که در ذمت مورث باشد اباؤکم وابناؤکم پدران شما و پسران شما لا تدرون ایهم نمیدانید که شما کدام
از ایشان اقرب لکم نفعا نزدیکترست و بکار آینده تر مر شمارا از جهت منفعت یعنی نمیدانید که از اصول و فروع از ورثه کیست نفع رساننده تر
در دنیا بشفقت و در آخرت بشفاعت و چون حق تعالی باحوال ارث و مورث داناست پس قطع کرد سهام مواریث را فرض گردانید
فریضة من الله فرض گردانید ثابت از نزدیک خدای تعالی ان الله کان علیما حکیما بدرستی که خدای تعالی هست بمراتب دانا هر یک از ورثه
حکم کننده در تقدیر سهام هر یک از ایشان ولکم نصف ما ترک ازواجکم و مر شماراست ای شوهران نیمه آنچه رها کنند زنان شما ان لم یکن لهن ولد
اگر نباشد مر آن زنان را فرزندی خواه یکی خواه بیشتر خواه از شما و خواه غیر شما خواه مذکر و خواه مونث خواه صلبی خواه ولد ولد هر چند که پایان رود

فان کان لهن ولد

فان کان لهن ولد پس اگر آن زنان را ولد بود بر وجه که باشد فلکم الربع مما ترکن پس شمارا حصه چهار یک باشد از آنچه بگذارند
زنان شما و این نصف که با ربع حصه شماست شوانید گرفت من بعد وصیة یوصین بها او دین از پس وصیتی که زنان شما بآن وصیت کرده باشند
یا پس از قضای دینی که در ذمت ایشان شد ولهن الربع مما ترکتم ان لم یکن لکم ولد و مر زنان شماراست از آنچه شما گذاشته اید چهار یکی اگر نباشد
شمارا فرزندی بهر وجه که باشد خواه یکی خواه زیاده خواه مذکر و خواه مونث خواه از ایشان و خواه از غیر ایشان فان کان لکم ولد پس اگر باشد
شمارا فرزندی بهر وجه که بود فلهن الثمن مما ترکتم پس آن زنان را هشت یک باشد از آنچه گذاشته اید شما از اموال من بعد وصیة توصون بها او دین
یا بعد از ادای دینی که در ذمت شما باشد وان کان رجل یورث و اگر باشد مردی که از وی میراث میگیرند کلالة یعنی کسی که والدین و اولاد ندارد
او امرأة یا زنی باشد کلالت وله و مر این مرد و زن نیز کلالت درین حکم یعنی اگر کل مدرا از این زن و مرد اخ او اخت برادری یا خواهری
مادری باشد فلکل واحد منهما السدس پس هر یکی را از این برادر و خواهر شش یک حصه میراث رسد از کلاله و مذکر و مونث درین صورت یکسانست
فان کانوا اکثر من ذلک پس اگر باشند اولاد ام بیشتر از برادری یا خواهری فهم شرکاء فی الثلث پس ایشان تمامی خواه ذکور خواه
اناث یا مختلف از وی بعض انبازاند در ثلث بی رتبه ذکورت و انوثت و این میراث بایشان میرسد من بعد وصیة یوصی بها او دین از پس آنچه میت
گر وقت مرگ کرده باشند پس از ادای دین غیر مضار در حالتی که میت غیر زیان ارنده باشد بورثه در وصیت و دین مضور در وصیت
آنست که زیاده از ثلث باشد و زیان در دین آنکه اقرار کند بدین کسی را که در ذمت او چیزی نباشد و غرضش آن باشد که بورثه کمتر رسد
پس دانم که این شرطها نباشد وصیت و قرض را مقدم باید داشت و بعد از آن ترکه قسمت کرد و الا وصیت را از ثلث اعتبار باید کرد و صاحب
دین را سوگند داد وصیة من الله نگاه دارید وصیتی که هست از نزدیک خدای تعالی والله علیم حلیم و خدای تعالی داناست بنیات شما
در نفع و ضرر بردبار است بعقوبت عاصیان تعجیل نکند و بتوبه گناه ایشان عفو فرماید تلک این احکام که تقدیم یافت در امور یتامی و مهمات نکاح و قسمت
مواریث حدود الله اندازهای حکم خدای تعالی است که از آن نشاید گذشت ومن یطع الله ورسوله و هر که فرمان برد خدای تعالی
و رسول او را درین حکمها یدخله جنات تجری من تحتها الانهار درآرد خدای تعالی او را در بوستانها که میرود از زیر اشجار آن جویها خالدین
فیها در حالتی که جاویدان در آن جنات جاویدان باشند ذلک الفوز العظیم و این از حال مطیعان و بهشت بر صفت خلود رستگاری
بزرگست ومن یعص الله ورسوله و هر که نافرمانی کند خدای تعالی و رسول او را چون عیینة بن حصن فزاری که بمیراث زنان و کودکان راضی نشد و گفت
ما میراث نمیدهیم الا کسی را که بر پشت مرکب مقاتله تواند کرد حق تعالی آیه فرستاد که هر که فرمان خدای تعالی و رسول نبرد ویتعد حدوده و در
گذرد از اندازها که در حلال و حرام و میراث و سایر احکام که مقرر شده یدخله نارا خالدا فیها خدای تعالی در آورد او را در آتشی در حالتی که جاوید باشد
در آتش و مذهب صحیح آنست که خلود بجهة استحلال محرماتست وله عذاب مهین و مر آن عاصی مستحل را باشد عذابی خوار کننده والتی یاتین
الفاحشة و آن زنان که از جهت متابعت هوای نفس بیایند بفعل قبیح یعنی مرتکب زنا شوند من نسائکم از زنان شما یعنی محصنات
یعنی شوهرداران فاستشهدوا علیهن پس شما ای حکام شریعت طلب گواه کنید بر فعل فاحشه این زنان اربعة منکم چهار مرد
عاقل و بالغ از شما که بشنوانید تا بر ایشان گواهی دهند فان شهدوا پس اگر این چهار تن بر زنا ایشان گواهی دادند فامسکوهن فی البیوت پس نگاه دارید

او دین

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)